

# روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۲ \_ ۹ ربیع الاول ۱۴۴۵ \_ ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۳ - شماره ۲۲۶۵ - سال هشتم ۸ صفحه - قیمت ۱۰۰۰۰ تومان -
ضرب کیفی ۶۱۴

www.hamdelidaily.ir hamdelidaily@gmail.com newspaper.hamdeli@gmail.com t.me/HamdeliNews

صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: جلال خوش‌چهره

چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱

تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سه‌رودی- خیابان سنندج

خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۱۸۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۶۹۱۸۱۲۷

### با ستاره امروز



▲ **قاسم بغلانی**

برگ های پانچ شده در زون کن‌ها قفسه که درد جمع می‌کرد سینه من! از دیدن فیلم خودم که سگ‌ها در آن نقش دارند لذت می‌برم در بعد از ظهری که سایه‌ایم از من جلوتر می‌رفت

### تاریخچه

## نشست گفت‌وگوی انتقادی «پژوهشکده مطالعات اجتماعی یا جامعه‌شناسی؟» برگزار می‌شود



نشست گفت‌وگوی انتقادی «پژوهشکده مطالعات اجتماعی یا جامعه‌شناسی؟» برگزار می‌شود. دهمین نشست از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی با شرح و عنوان ذیر برگزار می‌شود: پژوهشکده مطالعات اجتماعی یا جامعه‌شناسی؟ پرسشی در باب نسبت آن با پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سخنرانان: سیدجواد میری، حمید تنکابنی، مصطفی مهرآئین سمیه توحیدلو، مریم نصرافهانی – دبیر نشست:فرانک جهانگرد سه‌شنبه، ۴ مهرماه ۴۰۲ ساعت: ۱۰ تا ۱۲ سالن ادب

### کتاب

## «خاطرات عکاس شخصی هیتلر» به قلم هوفمان هاینریش با برگردان فارسی پریسا ابن‌یامینی

بود که اوا براون، دستیار استودیوی خود را به هیتلر معرفی کرد. در پایان جنگ، هافمن توسط ارتش ایالات متحده دستگیر شد و آرشوی عکس‌های او را نیز ضبط کرد و به دلیل سودجویی نازی‌ها به زندان محکوم شد. این نسخه از یک کتاب کلاسیک شامل عکس‌های هافمن و مقدمه جدیدی از راجر مورهاوس است. زمانی که این زندگی‌نامه برای اولین بار در



هاینریش هوفمان در کتاب «خاطرات عکاس شخصی هیتلر»، از حضورش در لحظاتی از زندگی این رهبر نازی می‌گوید که از اتفاقات مهم تاریخ محسوب می‌شوند. افراد زیادی با هیتلر دیدار داشتند، اما همه به سبب نترقی که دنیا به او دارد، آن را انکار می‌کردند. تفاوت هافمن در همین‌جاست. او نه تنها عکاس، بلکه

دوست هیتلر بود و هیچ‌گاه منکر آن نشد.هافمن نقش کلیدی در ساختن آفسانه هیتلر داشت، عکاسی که با دقت تصویر پیشوا را به‌عنوان یک شخصیت خدگاگونه ساخت.هافمن اولین کتاب عکس خود را در سال ۱۹۱۹ پس از کارش به‌عنوان عکاس رسمی ارتش آلمان منتشر کرد.در سال ۱۹۲۰ او به حزب نازی پیوست و ارتباط او با هیتلر آغاز شد.او عکاس رسمی هیتلر شد و سفرهای زیادی با او داشت. به طوری که بیش از دو میلیون عکس از هیتلر گرفت و آنها به طور گسترده، از جمله روی تمبرهای پستی توزیع شدند، کاری که برای هر دو مرد بسیار سودآور بود.هافمن در دهه ۱۹۳۰ چندین کتاب درباره هیتلر منتشر کرد، از جمله کتاب هیتلری که هیچکس نمی‌شناسد (۱۹۳۳) هافمن و هیتلر بسیار صمیمی بودند و او ن‌تنها به عنوان یک معتمد شخصی عمل می‌کرد بلکه به‌عنوان یک خواستگار –این هافمن

### حافظه تاریخی

## اعتصاب کارگران پالایشگاه نفت آبادان در سال انقلاب



بعد از واقعه هفده شهریور، اعتصابات سراسری کشور را دربر گرفت. با این همه اعتراض کارکنان شرکت نفت تاثیر چشمگیرتری داشت. بعد از واقعه هفده شهریور، اعتصابات سراسری کشور را دربر گرفت. با این همه اعتراض کارکنان شرکت نفت تاثیر چشمگیرتری داشت. یک روز بعد از رخداد جمعه خونین، ابتدا صدها نفر از کارکنان پالایشگاه تهران و روزهای بعد کارکنان پالایشگاه‌های تبریز، آبادان، اصفهان و شیراز اعتراض خود را اعلام کردند. اعتراضاتی از این دست البته در آغاز تاثیر چندانی بر کیفیت صدور نفت نداشت، اما زمانی که کارکنان صنعت نفت آبادان و اهواز دست به اعتصاب زدند، وضعیت تا حدودی دگرگون شد. روز دوم مهر ۱۳۵۷ صدها نفر از کارگران و کارمندان پالایشگاه نفت آبادان دست به اعتراض زدند و این اتفاق تاثیر مهمی در تحولات سیاسی منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در بیست‌ودوم بهمن همان سال داشت. اعتصاب کارکنان صنعت نفت، تولید و صادرات نفت ایران را کاهش داده بود به گونه‌ای که در آن برهه «شریف‌امامی» نخست‌وزیر وقت اذعان کرد که این واقعه روزانه ۵۷میلیون دلار از درآمد ارزی کشور را کاهش داده است. خبر اعتصاب کارگران پالایشگاه آبادان به دلیل اهمیت جهانی این پالایشگاه همان شب از طریق رادیوهای خارجی پخش شد. در پی این رویداد حکومت برای کنترل اوضاع در آبادان و ۹شهر دیگر حکومت نظامی اعلام کرد. این اعتصاب و تحسن و دخالت نیروهای نظامی به خشونت

### یادگویی روزگار تلختر

نگاهی به شعر «شیرازان» از فیض شریفی

## روزگار تلختر از قهوه چشمان معشوق

<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>و آن بلبل گوشان</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>آن میشان رها در سینه</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>چشمه جوشان</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>نافی که شراب ناب شیرازان</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>که می‌نوشی</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>می‌روی تا منقلب ماهی سخت تاریک</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>چه دندان‌هایی گرازان</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>شانه‌هایی که</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>زخمی بود</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>موکت های که برمیخاست</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>از چسب زمین</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>خلسه هایی هفت گون</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>و مارهایی</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>در غارهای پر ز کفترهای کوهی</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>آب‌هایی</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>می‌چکبد از سقف‌هایی</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>و لب‌هایی حریصان</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>تشنه کامی</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>که در قله‌های قلات</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>غرقان</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>در آب و سیگاران</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>میان هر دو لب</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>دودان</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>دودمانی که برآمد</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>بر ما</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>چند روزی بود که</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>می‌خواستم شعری بگویم از برای تو</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>و لیکن</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>روزگاران<span>ی</span> که سیاه</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>چون چشم‌هایی</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>چون آن ماه منقلب</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>چون چاه شغادان</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>رخش هایی که آویزان</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>و رستم‌ها</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>رهایی بود مرگان</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span></span></div><div><div>مژگانی که خونین بود</div></div></div>	

معشوق را به ارده و بامیه تشبیه می‌کند و بعد به سینه می‌رسد: «میشان رها شده در سینه» که چون چشمه‌های شیر جوشان است و نافی که در آن شراب شیراز میرزد و می‌نوشد و در خلسه گاه «ماه منقلب تار» پایین می‌افتد. دندان‌هایی ولوله کتان و گرازان شانه‌ها را گاز می‌گیرند و همه انگار در غارها و چاه‌هایی فرو می‌روند، تشنه کام له له می‌زنند و قطره‌های آب فرو می‌ریزد و لب‌ها حریصانه آب می‌نوشند و دودان و دودمانی که تباه می‌شود از لذت. شاعر در بند دوم «می‌خواستم شعری بگویم برای تو …» از آن خلسه‌ها رهایی می‌یابد، معشوق را توسعه می‌دهد و گیسوها را به روزگار سیاه خودش ورستم و مردمش مقایسه می‌کند که در چاه شغادان خیانتکار افتاده‌اند. زال این زمان نمی‌تواند مجزئی کند و مردم را برهاند. همه شقه شقه شده‌اند و ویران. دیگر معشوق هم که بر گل سرخ صورت او عرق افتاده، نمی‌تواند راوی را برهاند؛ همه در چاه

### داستانک

### خنده‌های مصنوعی

صورتش بیرون می‌آورد. مانده بودیم با چه لحن و ادبیاتی به‌ او حالی کنیم یا اصلا کاری کنیم که ناراحت و عصبی و غمگین شود تا اقل کم حرصمان کمتر شود. کم کم به این نتیجه رسیدیم که حریفش نمی‌شویم و بیهوده خودمان را به آب و آتش می‌زنیم.

فکر می‌کردیم یا وضع مناسبی دارد و یا دغدغه‌های کمتری نسبت به ما دارد که این چنین همه چیز را ساده برگزار می‌کنند و به قولی خم به ابرو نمی‌آورد. بعدها که فهمیدیم چه مشکلات عجیب و مالی و خانوادگی دارد تعجب و حرصمان بیشتر و بیشتر شد و دیگر کاری به کارش نداشتیم و برایش ناراحت بودیم و او هم کمتر می‌خندید. عباس از همان اوایل کار اینطور خودش را جا زده بود



▲ **خیام واحدیان**

نویسنده

نمی‌توانست نخندد و این بیشتر روی اعصاب ما بود که گاه تا شش ماه حقوق خبری نیست و نهایتش شش ماه حقوق با هم گیرتون میاد و به عالم صفا می‌کنید…» و خنده‌های الکی را تحویلیمان می‌داد. می‌شد هم چیزی بیشتر یا بدتری به او بگوییم، چسرا که اصلا از حوصله نمی‌رفت و باز همان خنده‌های مصنوعی بود که از

### روزگار تلختر

هر کسی را نتوان گفت که صاحب‌نظر است عشق‌بازی دگر و نفس‌پرستی دگر است نه هر آن چشم که بیند سیاه است و سپید یا سپیدی ز سیاهی بشناسد بصر است هر که در آتش عشقش نبود طاق‌ت سوز گو به نزدیک مرو کافت پروانه پر است گر من از دوست بنالم تقسم صادق نیست خبر از دوست ندارد که ز خود باخبر است آدمی صورت اگر دفع کند شهوت نفس آدمی خوی شود ور نه همان جانور است

## مجازستان

● گوشه‌سیمو از تعمیرکار تحویل گرفتیم، اومدم خونه هندزفری رو که زدم بهش دیدم عملکرد گوشی مختل می‌شه! برگشتمت به تعمیرکاره گفتم از وقتی گوشه‌سیمو درست کردین هربار هندزفری بهش وصل می‌کنم کیبورد بعضی چیزاش از کار میفته ولی وقتی هندزفری رو جامی‌کنم درست می‌شه.گفت: خب هندزفریو بهش وصل نکن!(مه‌دی‌بار)

● اون روز که والدین بغهمن میل به دوری از خانواده و ترک خونه‌ی پدری، ربطی به دشمنی و نفرت نذاره و صرفاً آدم توی این سن دوس داره از خانواده فاصله بگیره و مستقل باشه، عیدمنه.(آبیه)

● بیهوده ترین بحثی که تو خونه ما هست و هیچوقت حل نمیشه اینه که تلغن خونه رو جواب نمیدم، خب وقتی قطعاً کسی با من کار نذاره چرا من باید بردارم؟ مگه من منشی خونم؟ هرکی با من کار داشته باشه به گوشه‌سیم زنگ میزنه دیگه چرا تو این موضوع با هم به نتیجه نمی‌رسیم؟(مارتین‌تایلر)

● بیست دقیقه طول کشید مفهوم چسناله رو برای مدیرم ترجمه کنم، در ده دقیقه موفق شدم براش شرح بدم چطور ی بارون عنصر اصلی چسناله در اشعار فارسیه، بعد براش شجریان گناشتم با به اشکی در چشم گفت این آیین باید در هلند ممنوع بشه برای سلامت روان (((Saba

## قطره

**نانو‌خوشه‌های طلا می‌توانند کلید انرژی هیدروژنی باشند**
دانشمندان می‌گویند نانو‌خوشه‌های طلا ذراتی هستند که می‌توانند به عنوان نانو‌کاتالیست برای بهبود الکترولیز آب عمل کنند.انرژی هیدروژنی وقتی از منابع تجدیدپذیر تولید می‌شود و در ارتباط با سایر فناوری‌های انرژی پاک استفاده می‌شود، این پتانسیل را دارد که جزئی کلیدی از آینده انرژی پایدار باشد.
این حال، قبل از اجرای جریان اصلی این فناوری، باید بر موانع زیرساختی، اقتصادی و فنی آن غلبه کرد. یکی از راه حل‌های جدید برای تولید کارآمد نیروی هیدروژن، استفاده از نانو‌خوشه‌های طلاست. این به دلیل نقشی است که این ذرات می‌توانند در فرآیند ایجاد هیدروژن به نام تجزیه الکتروشمیایی آب یا الکترولیز آب ایفا کنند.فرآیند شیمیایی الکترولیز آب شامل تجزیه آب(H<sub>2</sub>O) به عناصر تشکیل دهنده آن یعنی هیدروژن(H<sub>2</sub>) و اکسیژن(O<sub>2</sub>) با استفاده از الکتریسیته است و توسط واکنشی به نام «واکنش تکامل هیدروژن»(HER) تولید می‌شود.افزایش کارایی این فرآیند، هزینه سیستم‌های الکترولیز آب را کاهش می‌دهد و کاتالیزورهایسی ایجاد می‌کند که می‌توانند واکنش‌ها را در حالی که از عناصر کم‌ارزش‌تر استفاده می‌کنند و از مشکلات عمده در تجزیه الکتروشمیایی آب هستند، سرعت بخشند.
نانو‌خوشه‌های طلا می‌توانند به عنوان نانو‌کاتالیست برای ارتقای واکنش تکامل هیدروژن(HER) و بهبود بسیاری زیاد الکترولیز آب عمل کنند.زنگ هوا تا‌نگ، پژوهشگر موسسه تحقیقاتی انرژی جدید در دانشگاه فناوری سناوژ چین در گوانگژو می‌گوید: دستیابی به یک کاتالیزور مدل با اندازه یک‌نواخت مطلق، پیگردندی هندسی مشخص و یک محیط شیمیایی به خوبی تعریف شده برای ایجاد رابطه بدون ابهام میان ساختار و عملکرد در سطح اتمی، بسیار دشوار است و نانو‌خوشه‌های طلا به طور بالقوه می‌توانند این مسائل را حل کنند.به طور خاص، نانو‌خوشه‌های طلا خواص کاتالیزوری فوق‌العاده‌ای را در واکنش‌های آلی مختلف و واکنش‌های الکترو کاتالیستی از خود نشان می‌دهند، اما تحقیقات جدید بدون چالش نیست. یافتن مقدار طلای مورد نیاز برای افزایش مقیاس استفاده از این کاتالیزورها، مسائل مربوط به نحوه عملکرد این نانو‌کاتالیست‌ها در شرایط نامطلوب و مدل‌سازی نظری معیوب، برخی از مشکلات مرتبط با نانو‌خوشه‌های طلا هستند.پژوهشگران امیدوارند در کارهای آینده به این نگرانی‌ها رسیدگی کنند و همچنین هدایت الکتریکی کاتالیست کامپوزیت مبتنی بر خوشه را بهبود بخشند و مناسب بودن آن را برای واکنش‌هایی غیر از HER بررسی کنند.تا‌نگ می‌گوید: با توجه به توسعه سریع تکنیک‌های مصنوعی و علم کاتالیز، ما پیش‌بینی می‌کنیم که تلاش‌های تحقیقاتی بیشتری به استفاده از نانو‌خوشه‌های فلزی دقیق اتمی به عنوان کاتالیزورهای مدل برای واکنش‌های الکترو کاتالیستی مختلف و فراتر از آن اختصاص یابد.دانشمندان و مهندسان به عنوان بخشی از ابتکارات برای ایجاد گزینه‌های انرژی پاک و تجدیدپذیر، به کار برای بهبود فناوری تجزیه الکتروشمیایی آب ادامه می‌دهند تا آن را از نظر تجاری امکان پذیرتر و از نظر زیست محیطی پایدارتر کنند.تا‌نگ افزود: موارد ارائه شده در این مطالعه خواص کاتالیزوری استثنایی HER را اغلب به دلیل مزایای متمایز نانو‌خوشه‌های طلا در مقایسه با نانوذرات طلا به وضوح نشان می‌دهد.ایده «اقتصاد هیدروژنی» زمانی را تعریف می‌کند که گرمایش، فعالیت‌های صنعتی و حمل و نقل، همگی عمدتاً از انرژی هیدروژنی تأمین می‌شوند و غلبه بر موانع تکنولوژیک برای تحقق این هدف، ضروری است.
حال باید دید آیا نانو‌خوشه‌های طلا می‌توانند کلید اصلی دستیابی به این هدف باشند؟